



راه ورود نیروهای منفی در شبه‌عرفان حلقه چگونه است

در تفکر نوین، طبق قانون جذب برای آنکه کائنات فرمانبردار انسان شوند، او باید به ندای درون خود گوش دهد، این معنا در حلقه با زبانی متفاوت بیان شده و مفهوم «نظر» در فرادرمانی که در کتاب‌های این فرقه آمده به قانون جذب بسیار شبیه است.

در تفکر نوین، طبق قانون جذب برای آنکه کائنات فرمانبردار انسان شوند، او باید به ندای درون خود گوش دهد، این معنا در حلقه با زبانی متفاوت بیان شده و مفهوم «نظر» در فرادرمانی که در کتاب‌های این فرقه آمده به قانون جذب بسیار شبیه است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه **خبرگزاری فارس**، در بررسی و تحلیل آموزه‌های هر دین یا فرقه باید ابتدا به بررسی مبانی و پیش فرض‌های آن پرداخت، برای شناسایی بهتر آموزه‌های فرقه «عرفان ضاله حلقه» نیز لازم است، به بیان مبانی فکری این فرقه بپردازیم، با مطالعه آثار مکتوب و شفاهی عرفان حلقه درمی‌یابیم که این فرقه نیز مطالبی را از ادیان مختلف و همچنین فرقه‌های انحرافی برای مبانی و پیش فرض‌های خود انتخاب کرده است، محمدعلی طاهری با تصریح به التقاطی بودن مبانی فرقه خود می‌گوید: «ادیان، یک سلسله دروس، پله پله با هم هستند و جدا شدنی نیستند، علتش را هم من متوجه شده‌ام؛ یعنی مثل یک چیز می‌ماند که دامنه‌دار است؛ ولی نویسنده‌ها متفاوت هستند، بدون درک عهد عتیق، {فهم} عهد جدید امکان ندارد و بدون درک آن، درک این امکان ندارد، حالا این‌شاءالله این را در یک جایی جداگانه مطرح می‌کنیم؛ اما من یک مطلبی می‌خواهم بگویم، من امروز به این نتیجه رسیده‌ام که یک عده‌ای به من خبر داده‌اند که ما مطلب شما را با عرفان یهودی کابالا انطباق داده‌ایم. عجیب است! شاگردان کلیمی ما گفته‌اند، به طرز عجیبی دریافت‌های شما با عرفان کابالا می‌خواند، مسیحی‌ها هم یک طوری همین را گفته‌اند؛ شما فکر نکنید که مسلمان‌ها فقط می‌خواهند با قرآن تطبیق بدهند، مسیحی می‌خواهد برود با انجیل تطبیق بدهد و کلیمی می‌خواهد با عهد عتیق انطباق بدهد، ما خودمان را نگاه نکنیم؛ ما داریم یک حرف می‌زنیم که از اول، این، انسان‌شمول است، توجه فرمودید؟! من ایمان دارم دریافت‌ها و مطالب با کتب مقدس در تضاد نخواهد بود، حالا ما با قرآنش را انجام بدهیم، دیگران هم با کتب دیگر انجام بدهند؛ اما شما بدانید که به نظر من کتب مقدس، جلد یک، دو، سه هستند که از هم جدا نیستند». بنابر گفته‌های رهبر این فرقه آموزه‌های او از ادیان مختلف یهودی، مسیحی و برگرفته شده و از همین روی در ادامه به بررسی مبانی او که از ادیان مختلف گرفته شده است، می‌پردازیم: ***روح‌القدس** روح‌القدس، در تفکر نوین به این معنا است که تقدسی در انسان جاری است و او سرچشمه آگاهی و قدرت کائنات معرفی می‌شود. طبق آموزه‌های فرقه حلقه نیز روح‌القدس در وجود انسان اثرگذار است و مطالبی از کتاب‌های این فرقه به شباهت روح‌القدس در حلقه با روح‌القدس موجود در تفکر نوین می‌پردازد؛ برخی از این مطالب: -در انسان، سه روح ایفای نقش می‌کند و در خدمت نفس او قرار می‌گیرد؛ روح‌الله - روح‌القدس - روح هادی. -روح‌القدس: هم در شکل‌گیری مرکب نقش دارد و هم کارگزار روزی‌رسانی معنوی است و خداوند به وسیله این کارگزار انسان را به بلوغ معنوی می‌رساند. این مخلوق الهی معلمی است که به وسیله وحی و الهام نقش خود را ایفا می‌کند. -عضو سوم حلقه روح‌القدس است که حلقه را تکمیل کرده... و خداوند فیض خود را به واسطه روح‌القدس جاری می‌نماید. -انسان در جسم فقط می‌تواند به درک توان بالقوه خدایی بودن خود پی ببرد و قادر نیست آن را بالفعل تبدیل نماید ... کمال در جسم، یعنی رسیدن به توان بالقوه الهی و ادراک‌های بالقوه عبارتند از: درک انال‌الحق، درک یکتایی و تن واحد، درک حضور یار... همچنین توضیحی که در فرقه حلقه درباره ملک آدم وارد شده، بسیار به روح‌القدس در تفکر نوین شبیه است، طاهری در این باره می‌گوید: «آنچه گنجینه صفات الهی را از عالم بالاتر دریافت می‌کند و به اله می‌سپارد، ملک نام می‌گیرد». -هیچ یک از این سه (ملک آدم، اله آدم، رب آدم) از وجود آدم جدا نبوده، هر یک بعدی از وجود او هستند که در حرکت او نقش دارند. -بیت‌الله فقط به انسان اطلاق می‌شود، زیرا تنها مکانی است که خداوند از روح خود در آن دمیده است، لذا نزدیک شدن به حریم انسان‌ها باید با تقدس کامل صورت گیرد و هیچ انسانی حق تجاوز به حریم دیگری را نخواهد داشت. -فیض حلقه وحدت از تبرک نزدیکی و وحدت حداقل دو نفر ایجاد می‌شود و هر کجا حداقل دو نفر در حلقه جمع باشند. عضو سوم، روح‌القدس (شبکه شعور کیهانی) و عضو چهارم، خداوند است. «من معنوی» مطرح شده در حلقه نیز از موارد همسو با مبانی تفکر نوین است که به اصل روح‌القدس شباهت دارد. طاهری در این باره می‌گوید: یکی از ابعاد وجود انسان من معنوی (معلم درون) است. من معنوی کارگزاری است که انجام اموری را بر عهده دارد. او در ادامه، تزکیه، تعلیم، هدایت، گمراهی و بخشش را از کارهای من معنوی معرفی کرده، شفاعت من معنوی را یکی از انواع شفاعت‌ها در قیامت دانسته است، او می‌گوید: در هر چهار نقشی که من معنوی ایفا می‌کند نوعی یاری و کمک وجود دارد که باعث می‌شود آن را نوعی «ولی» بنامیم. ***قانون جذب** در تفکر نوین، طبق قانون جذب برای آنکه کائنات فرمانبردار انسان شوند، او باید به ندای درون خود گوش دهد، این معنا در حلقه با زبانی متفاوت بیان شده و مفهوم «نظر» در فرادرمانی و قانون بازتاب که در کتاب‌های این فرقه آمده به قانون جذب بسیار شبیه است، در ادامه به مواردی اشاره می‌شود: -دنیای عرفان دنیایی است که اسم را هم نمی‌دانی، اینکه نظر بکنی، یک بشکن بزنی، اون طرف بگویند من درمان شدم. -در این نوع درمان، به طور کلی، به حداقل یک مشخصه از مشخصات بیمار نیاز است نام بیمار و یا عکس بیمار... در این صورت، نام بیمار یا معرف را وارد فهرست بیماران خود کرده و یا ذهنی آن را مرور می‌کنیم (موضوع نظر در عرفان). -آن چیزی که منظور شما باشد، آن اجرا می‌شود. -اتصال فقط با یک توجه آبی (نظر) صورت می‌گیرد و به نتایج قابل توجهی می‌انجامد. -اصولاً اساس بی‌قراری هر اتصال و جاری کردن هر حلقه‌ای با نظر است. -هر چه در وادی عرفان جلوتر برویم مفهوم نظر ملموس‌تر می‌شود. نظر از نیت هم کوتاه‌تر است و در کمتر از کسری از ثانیه نظر توسط فرادمانگر اتفاق می‌افتد. با نظر فرادمانگر، فرادرمانی آغاز می‌شود و دیگر به هیچ کاری و هیچ عملی از طرف فرادمانگر نیاز نیست. همچنین قانون بازتاب در حلقه از مواردی است که در جهت تأیید قانون جذب بوده، مطالب آن بر صحت آن تأکید می‌کند، طبق تعریف بیان شده در حلقه «هر انسانی در هر لحظه دارای بازتابی وجودی است که نتیجه پندار و گفتار و کردار اوست». طاهری در جای دیگر گفته است: «در پس هر انگیزه، اندیشه، کلام و رفتاری، اشتیاقی وجود دارد که بر اساس قانون بازتاب، فرد را به نتیجه‌ای متناسب با خود خواهند رساند» و در جهان هستی مادی، هر عملی، عکس‌العملی به همراه دارد... در مقابل هر یک از کارها و اندیشه‌های او انسان واکنشی نهفته است که او را به نتیجه آن فکر یا عمل می‌رساند و اشتیاق تنها عامل محرک در راه رسیدن به کمال است و کلیه دریافت‌های انسان مزد اشتیاق اوست.